

شاهنامه فردوسی را بهتر بشناسیم

کوششی که در سالهای اخیر با تشکیل کنگره بمنظور بهتر شناختن بزرگان علم و ادب ایران آغاز شده درخور تحسین است خاصه از این جهت که در اغلب این کنگره‌ها بهمراه جنبه‌های ادبیات و فرهنگ ملی ما توجه میشود و فقط به شخص یا موضوع معینی اختصاص نمی‌یابد.

این کوشش‌ها اگر چه تاکنون بمعنی واقعی کلمه به نتایج درخشان مورد نظر نرسیده ولی اگر دقیقاً و منظمآ ادامه یابد قطعاً به نتیجه میرسد.

حاصل کار بررسیهایی که تاکنون در باره دانشمندان نامی ایران بعمل آمده در سطوح متناسب و در خطوط متوازی نیست و بهمین دلیل است که بعضی از شخصیت‌های علمی یا ادبی را بیشتر و بعضی را کمتر می‌شناسیم و طبیعی است که این امر ناشی از وجود حب و بغض در کار تحقیق تلقی نمیشود زیرا صرفاً مولود قریحه خاص محقق و شیوه تفکر و مسیر تحقیق و تا حدی نیز مربوط به کمیت و کیفیت کار مورد تحقیق است.

مشابهت شیوه تفکر معمولاً چند محقق را در یک مسیر قرار میدهد که هر یک با بینش خاص خود به شناساندن آن مسیر کمک میکنند کار هر یک مکمل کار دیگری و حاصل کار مجموع آنان نمودار کمال و اوج پیشرفت در مسیر مورد نظر است.

ولی این مسیر منحصر بفرد نیست و بهمین جهت با وجودیکه در بعضی موارد بمرحله غنا و اشباع رسیده‌ایم در باره‌ای موارد هنوز دچار فقر و نارسائی میباشیم و برای رفع این نقیصه باید بکوشیم که کار تحقیق حتی المقدور بموازات هم‌پیش رود و آهنگ

حرکت آن در مسیرهای مختلف تاحدی متناسب با یکدیگر باشد. مقایسه بر سیهائی که در باره ۴ سخنور نامی ایران نظامی و حافظ و سعدی و فردوسی شده بخوبی نشان دهنده این ناهماهنگی است تاحدی که اگر واقعاً حافظ‌شناسی و میزان کوششی که در راه شناختن دیوان حافظ بکاررفته ملاک و مأخذ تحقیق در سایر متون شعر فارسی قرار گیرد باید اعتراف کنیم که در حق دیگران از جمله سعدی و بیش از همه در حق فردوسی مرتکب بی‌عدالتی شده‌ایم.

در بین آثار جاودانی چهار گوینده بزرگ بدون تردید باید اعتراف کرد که خمه نظامی بانجری که استاد نامدار فقید و حیدر دستگردی در شعر این گوینده بزرگ داشته و سالها رنج تصحیح و تحشیه و مقابله و شرح و تفسیر معانی ابیات آنرا تحمل نموده حق وی را به نیکوترین وجهی ادا کرده و پرده ابهامی که تاکنون در برابر افکار و عقاید و اندیشه‌های حافظ قرار داشت و درک آراء و معتقدات او را بسی مشکل ساخته بود و هر کس مطابق تمایلات و احساسات درونی خود آنرا بصورتی تعبیر و تفسیر مینمود در پر تو تحقیقات و تنبعات واقع بینانه دانشمند استاد و نویسنده شهیر آقای علی دشتی تاحدود زیادی در کتاب (نقشی از حافظ) بکنار زده شد.

ما حافظ و دیوان او را بخوبی می‌شناسیم سعدی را کمتر از آن می‌شناسیم و شاهنامه را بخوبی و روشنی آثار حافظ و سعدی نمی‌شناسیم و البته این بدان معنی نیست که بحافظ بیش از حد ازوم توجه شده بلکه بدان معنی است که بشاهنامه بحد لزوم توجه نشده است.

نمی‌خواهم دیوان حافظ و شاهنامه فردوسی را باهم مقایسه کنم اصولاً این دو شاهکار ادبیات فارسی نه فقط از نظر کیفیت بهیچوجه باهم قابل مقایسه نیستند بلکه از نظر کمیت نیز نمیتوان این دو را باهم مقایسه نمود. بزرگترین مشکل تحقیق در شاهنامه مربوط به کمیت آن است نه در کیفیت آن و حال آنکه مشکلات تحقیق در

سایر متون شعر فارسی و مخصوصاً حافظ در کیفیت و چگونگی اندیشه کنائی و بیچیدگی گفتار بهم بافته اوست .

اشاره شادروان محمد قزوینی به (۱۷) نسخه حافظ آنهم بعنوان نمونه و پس از حذف نسخه هائیکه بقول آن مرحوم (خارج از حد احصا و غالباً تابع و طفیلی چاپهای قدیمی هستند) شاهد گویای این نظر است که حافظ در گذشته و حال بسیار مورد توجه محققان بوده و هست .

ما در سالهای اخیر شاهد چندین نسخه دیوان حافظ بوده ایم که بهمت و کوشش محققان دقیق و صاحب نظر تهیه و بمشتاقان سخن آسمانی حافظ تحول گردیده و نظریاتی که درباره اصالت نظر و اصابت رأی محققان مذکور برآز شده هر يك در حد خود معتبر و قابل توجه است .

دلایلی که مرحوم قزوینی را مجاب و متقاعد کرد که مطلقاً به نسخه اقدم دیوان حافظ توجه کند در حد خود جالب است در حالی که میدانیم توجه مطلق به نسخه اقدم - اگر احیاناً بمعنی واقعی اقدم و از دخل و تصرف مصون نبوده باشد - با شتابات ناشیه مهر صحت و قاطعیت میزند و راه تحقیق و کاوش بیشتر را سد میکند. نوع دیگر آن نیز که عبارت است از شناختن شعر حافظ صرفاً با تکیه آشنائی بشیوه گفتار و سیاق عبارات و سنخ فکر حافظ بی احتیاطی و خطرناک است و در صورت ادامه این روش بسیار ممکن است هر محققى برای خود حافظی بسازد و مآلاً لسان الغیب خود ساخته در میان انبوه حافظ هائیکه محققان ساخته اند مفقود شود . ظاهراً اختلافات زیادی که در نسخه های متعدد و مختلف حافظ دیده می شود مولود اصرار در انتخاب یکی از این دو طریق بوسیله کاتبان و محققان قرون گذشته است در حالی که هیچ يك از این دو طریق به تنهایی ما را بیک حافظ سالم و مطمئن نمیرساند و باید این دوروش را با هم تلفیق و ترکیب نمود .

تازه‌ترین کار در این زمینه کوششی است که در دانشگاه پهلوی برای تهیه یک حافظ آراسته و بی نقص آغاز شده و امید است این کوشش به نتیجه مطلوب برسد .

در باره سعدی وضع ما از این بدتر است اگر کوشش در باره شناختن آثار حافظ و بدست آوردن دیوان صحیح و سالم آن در مرحله اخذ نتیجه است در باره سعدی هنوز به نیمه راه تحقیق نرسیده‌ایم زیرا روی سعدی بسیار کمتر از حافظ کار شده است. شاید این امر دلائلی متعددی داشته باشد ولی بنظر بنده دلیل عمده و اساسی مطلب مربوط به کمیت کار سعدی است که بیش از سه برابر و شاید قریب چهار برابر کار حافظ است و طبعاً برای بدست آوردن يك کلیات آراسته و بی نقص از آثار سعدی به چهار برابر کوششی که برای حافظ شده نیازمندیم که چنین کاری تا کنون صورت نگرفته و بهمین دلیل طبعاً باید دخل و تصرف و اختلاف و اختلال در آثار سعدی بمراتب بیشتر از حافظ باشد .

آنچه با یک حساب ساده بدست می‌آید اینست که مجموع اشعار سعدی ظاهراً (۱۵۴۶۵) بیت است بشرح زیر .

بیت	۴۴۲۱	۱- بوستان
»	۵۴۰	۲- گلستان
»	۱۲۴۸	۳- قصائد فارسی
»	۳۵۲	۴- « عربی
»	۳۸۶۸	۵- « طبیات
»	۱۸۷۵	۶- بدایع
»	۶۶۱	۷- خواتیم

»	۵۰۷	۸- صاحبیه
»	۳۲۹	۹- غزلیات قدیم
»	۲۵۲	۱۰- ترجیعات
»	۱۶۶	۱۱- ملمعات
»	۵۴	۱۲- مثلثات
»	۱۹۱	۱۴- مثنویات
»	۱۸۲	۱۴- مرائی
»	۸۸	۱۵- قطعات
»	۳۵۲	۱۶- رباعیات
»	۶۹	۱۷- مطایبات

۱۷۶ رباعی

و بعضی از ابیات و مصاریع در قسمتهای مختلف تکرار شده که بحساب نیامده ولی با کمال تأسف باید اعتراف کرد که این رقم دقیق و صحیح نیست و حتی قریب به صحت هم نیست و شاید رقم اختلاف در نسخه‌های مختلف از پانصدیت بیشتر باشد و این کار که نشانه فقدان فرصت تحقیق برای تهیه یک نسخه صحیح کلیات سعدی است، موجب کمال افسوس و اندوه است.

کسانیکه با نسخه‌های مختلف کلیات سعدی سروکار داشته‌اند و چاپهای بی نام یا با نامهای تجارتنی، کتابخانه مرکزی کتابخانه محمدعلی علمی کتابخانه خیام - مؤسسه نشر کتاب اخلاق را که عموماً بادیباچه علی ابن احمد بیستون بر کلیات شروع شده است ملاحظه کرده‌اند اعتراف میکنند که دو نسخه نظیر هم وجود ندارد.

البته هیچ کس از این مؤسسات بازرگانی توقع تحقیق علمی ندارد، از نظر این مؤسسات به محض اینکه نسخه‌های کلیات سعدی برای فروش کمیاب شد تجدید چاپ آن ضروری است بدون اینکه مطالعه و تأمل و اظهار نظر درباره متن و مندرجات

نسخه قبلی لازم باشد یا برای اینکار در مؤسسات بازرگانی ادعای صلاحیت وجود داشته باشد.

ما در مورد اشعار حافظ بمرحله‌ای رسیده‌ایم که میتوانیم بعضی از نسخه‌های آن را قابل اعتماد بنامیم ولی باکمال تأسف هنوز در مورد سعدی اندر خم يك کوچه‌ایم و راهی که باید طی کنیم و باین مرحله برسیم بسیار طولانی است بنده در کلیات سعدی ادعای تخصص ندارم ولی آنچه از مرور و مطالعه چند نسخه مختلف استنباط کردم اینست که یکی از مغلوپترین و مغشوش‌ترین نسخه سعدی همان است که بوسیله یکی از معروف‌ترین رجال سیاسی و فلسفی و ادبی معاصر تهیه و عرضه شده است.

نسخه‌های کلیات سعدی همه مغلوپ همه معیوب همه مغایر با هم و همه در تنظیم ابواب و فصول اسیر ذوق و سلیقه نسخه بردار است یکی قصائد فارسی را بر عربی مقدم داشته و دیگری عکس آن عمل کرده یکی رباعیات را بجای مفردات یکی خواتیم را بدنبال ملامعات و مراثی را موخر بر طبیات و دیگری عکس آن قرار داده و حتی در چاپ يك قصیده یا يك شعر مستقل نیز سلیقه‌های خاص بکاررفته مثلاً ترجیع بند سعدی را که واسطه العقد آن بیت معروف بنشینم و صبر پیش گیرم - دنباله کار خویش گیرم - است یکی با بند: ای زلف تو هر خمی کمندی - شروع کرده و دیگری با بند: ای سرو بلند قامت دوست. و ناشر دیگر بصورت دیگر.

گویا تصور میکردند فصول و ابواب کلیات سعدی بمنزله اطاقهای منزل ایشان است و ابیات و قطعات اشعار لوازم تزئینی این منزل که هر يك را بمیل خود و در جای خاصی قرار میدادند.

نسخه‌ای که اشاره کردم علاوه بر همه این نقائص و معایب دارای نقص‌های عمده دیگری نیز هست مصحح این نسخه بعضی از اثاثه و لوازم این منزل را اصولاً زائد

تشخیص داد و بدور افکند و بعضی را که بنظر خودش با مبلمان و دکوراسیون اطاقها ناهماهنگ بود دستکاری کرد و بآن تغییر صورت و در نتیجه تغییر معنی داد بدون اینکه در این اصلاحات مستندی داشته و بیکی از متون گذشته اشاره یا استناد کرده باشد.

بدین معنی که مصحح ارجمند و دانشمند مذکور بعضی از اشعار سعدی را از قلم انداخت و وارد کتاب نکرد و بسیاری از اشعار را با تغییر عبارات بکلی ثقیل و نامانوس کرد.

مثلاً مطایبات سعدی در این نسخه نیست. خود سعدی میگوید برای ارضاء - خاطر و انجام خواهش شاهزادگان اشعاری چنانکه سوزنی دارد ساختم ولی مصحح محترم به مصلحت و در شأن سعدی ندانست کلیات او را بعبارات رکیک مطایبات آلوده کند.

خود سعدی میگوید: من اینم که این اشعار را گفتم و این عبارات را نوشتم ولی مصحح دیوان میگوید.

نه - تو بهتر از آنی که میگوئی و در شأن تو نیست که این عبارات از ذهن و قلمت تراوش کند.

شعر وسیله بیان اندیشه و عامل انتقال احساس انسانی به بهترین نحو ممکن در قالب مقررات و ضوابطی است که آن را از اثر مشخص و ممتاز میکند. بهترین شاعر آنست که اندیشه و احساس خود را به بهترین صورت و در بهترین عبارات و - بهترین و متناسبترین قوالب بیان و عرضه کند. در این جا منظور از بهترین الزاماً بمعنی (اخلاقی ترین) نیست. مضمون و موضوع اندیشه و احساس که مربوط بعقیده شخص شاعر است هر چه میخواهد باشد و اصولاً بدی و خوبی اندیشه شاعر که امری قراردادی است بهیچوجه معروض بقضاوت نیست زیرا مضمون شعر میتواند از خدا تا شیطان و از پاک تا پلید همه کس و همه چیز را در بر بگیرد فقط نحوه بیان این اندیشه است که نشان

میدهد گوینده مهمل می بافد یا شعر میگوید .

هیچ شاعر را نباید و نمیتوان مقید کرد که حتماً اندرز بدهد و متشرع و نمازگزار باشد یا حتماً ناسزا بگوید و تظاهر بالحاد کند او هر چه دلش خواست باید بگوید ولی برای اینکه شاعر واقعی باشد باید خوب بگوید . بعضی از ابیات بسیار ظریف و زیبا که کاملاً اشکار است که از سعدی است از وسط غزلیات این نسخه بکلی حذف شده و در نسخه‌های دیگر هست و بعضی از اصلاحات این نسخه بکلی مورد نفرت ذوق سلیم و آشکارا مغایر با شیوه گفتار روان و شیرین سعدی است .

همه ما داستان (بیشه خالی از پلنگ) را که تبدیل به (بیشه مشتببه به نهالی) شده شنیده و خوانده‌ایم بنظر بنده این از مواردی است که بهیچوجه ضرورت ندارد که تحقیق کنیم کاف فارسی در آخر پلنگ در نسخه‌های بسیار قدیم مکسور است یا ساکن و یا کلمه نهالی به چند معنی استعمال شده و یا در نسخه‌های دیگر (بیشه) است یا (بیشه)

بهترین کار در این مورد خاص اینست که نظری به مجموعه اشعار سعدی بیفکنیم و ببینیم اصولاً در هیچ جا نظیر این عبارت ثقیل را بکار برده است؟ آیا با توجه به لطف بیان و آسان گوئی سعدی که تقریباً معنی همه گفته‌های او به مجرد خواندن و بلافاصله بذهن می‌چسبد میتوان تصور کرد که این بیت از سعدی باشد؟ جالب است که خود مصحح محترم نیز اشاره نکرده که بیت:

هر بیشه گمان مبر نهالی باشد که پلنگ خفته باشد

را در کدام نسخه دیده و بچه دلیل آن نسخه را بر نسخه‌های دیگر مرجح

دانسته است .

با این وصف فراموش نکنیم که این نسخه یکی از معروفترین و رایجترین نسخه‌های کلیات سعدی است که کراراً از روی آن تجدید چاپ شده . وقتی که وضع این نسخه چنین باشد حساب سایر نسخه‌های کلیات سعدی بقول حافظ باکرام‌الکاتبین است . (ناتام)